سازندگان سریال محرمی «هاتف» با چاووشی به توافق نرسیدند

محسن چاووشی که قرار بود تیتراژ سریال محرمی «هاتف» را بخواند برای همکاری با سازندگان این مجموعه به توافق نرسید. پیشتر تهیه کننده این سریال هنگام بازدید معاون سیما از پشت صحنه سریال «هاتف»، از مذاکره برای همکاری با محسن چاووشی برای تیتراژ خبر داده بود که در پی آن، محسن چاووشی با انتشار متنی ضمن گلایه از صداوسیما، خبر همکاری خود با این رسانه را تکذیب کرد.

نشانه‌ها و معنا در عکس‌های آیینی

ابراهیم بهرامی
info@khorasannews.com

در آثار هنری دینی، هنرمند از طریق نشانه‌ها، ساختارها، فضاسازی معنوی و همچنین انسجام بخشیدن به بیان تصویری، روزنه‌ای معنوی و رابطه‌ای فرهنگی را شکل می‌دهد که ارتباط انسان با معنویت را عمق می‌بخشد. حساسیت‌های فطری از جمله عواملی است که موجب می‌شود انسان با آثار معنوی و دینی، رابطه‌ای درونی‌تر پیدا کند که در آن، هم هنرمند به عنوان پدیدآورنده و هم مخاطب آن، ارتباطی تغزلی با اثر پیدا می‌کنند. اساس و سرچشمه اصل آفرینش‌گری در ساحت‌های قدسی و گرایش به آن، ریشه در میراث معنوی فرهنگی و دینی جامعه دارد. در هسته و جوهره همه مذاهب و آیین‌های دینی و سنتی جهان، حقیقتی نهفته است که اتکا به آن، انسان را به معرفت شناختی نزدیک و او را از تعلقات دنیوی دور می‌کند. هنرهایی که از معنویت دین و مذهب به عنوان بخشی از فرهنگ جامعه بهره می‌گیرند انسان را به حقیقتی والا سوق می‌دهند.

عکاسی که در میان دیگر هنرها از حوزه وسیع‌تر دیداری برخوردار است، تلاش پنهانی دارد تا در عین پرداختن به واقعیت، به قلمروی متعالی‌تری که از راهروی ذهنیت به تجلّی می‌رسد، بخشی از ژرفای هستی را معنا کند. یک عکس، نشانه‌ها و عناصر زیادی را در خود دارد که به تنهایی معنایی مستقل از یکدیگر دارند یا به بیان محدودی اشاره دارند ولی هنگامی که این عناصر با یکدیگر در می‌آمیزند و به علایم و نشانه‌های نظام یافته‌تری گسترش می‌یابند، بیانی متفاوت و محتوایی خارج از معنای مستقل خود می‌یابند. گاهی بسیاری از قوانین و قواعدی که در علم نشانه شناسی به کار گرفته می‌شود، به طور مجرد ارزش ذاتی بیانی ندارد، بلکه شیوه و درایت هنرمند در استفاده آگاهانه و کاربردی‌شان بدان‌ها معنا و ارزش می‌بخشد.

در رهیافت‌های تصویری مختلفی که به دین می‌پردازد، نشانه‌ها مفاهیمی اساسی و دارای ارزش‌های فرهنگی و معنوی والایی هستند. بسیاری از این نشانه‌ها دارای رمزگان‌هایی هستند که نیاز به رمزگشایی دارند و برخی دیگر نیز در ساده‌ترین شکل خود برای آگاهی بخشی، بر نقش کارکردی خود دلالت دارند و عناصر ساختاری نیز با کاربردهای زیبایی شناسانه که در یک نظم و وحدتی خلاق ارائه می‌شوند، خود به بازتعریف این شاخصه‌ها و تفسیر آن‌ها کمک می‌کنند.

از دیدگاه رفتارهای اجتماعی، نشانه‌های زیبایی شناسی که مبتنی بر محتوای ذاتی‌شان در آثار هنری دینی ارائه می‌شوند و اغلب برگرفته از همان نشانه‌های مذهبی و شمایل‌های آیینی است، تحلیل منحصر به فردی در حوزه علم نشانه‌ها دارند و با این که قوانین مشخصی برای آن تعریف نشده است، آمیزه‌ای از نشانه‌های معنایی و نشانه‌های زیبایی شناسانه را در بیان معنا به خدمت می‌گیرند.

شمایل و نشانه‌ها، دلالت‌های صریح بصری هستند که بیشتر به عناصر و اشیای موجود در یک اثر هنری می‌پردازند و هنگامی که این دلالت‌ها به تفسیر و برداشت‌های شخصی می‌رسند بر دلالت‌های ضمنی یا تداعی‌کننده، تاکید دارند و امکان نقد، تاویل و تحلیل آن‌ها را از سوی مخاطب فراهم می‌سازند.

نشانه‌های دیداری به لحاظ تجسم عینی توسط مخاطب، فهم‌پذیری بیشتری دارند ولی چنان چه این نشانه‌ها مربوط به فرهنگ یا منطقه خاصی باشد نیاز به همراهی اطلاعات، آگاهی یا همان رمزگشایی دارد، برخی از این نشانه‌ها می‌توانند از درون ارزش‌های معنایی، روایتی یا مذهبی داشته باشند که غالبا هنرمندان ِ هنرهای تجسمی، آن‌ها را بازنمایی می‌کنند. استفاده از تمام یا بخش‌هایی از این عناصر و نمایه‌ها، به عنوان نشانه‌های ثانوی در هنرهای تجسمی نمود می‌یابد و به خلق آثاری با درونمایه‌های معنوی می‌انجامد و تا آن جا پیش می‌رود که این زبان بیانی که نشانه‌ها را در دل خود جای داده است، به صورت محتوا و پیام، متجلی می‌شود. بسیاری از این نشانه‌ها گاهی به تفسیر مجدد آن در قالب معنای ضمنی و محتوای باطنی می‌پردازند.

ارتباط عمیق‌تر نشانه‌ها با فرهنگ و اجتماع به عنوان یک قالب بیانی، موجب پدیدار شدن ارزش‌های نهفته در آن می‌شود. برخی از نشانه‌های مذهبی که جنبه‌های تاریخی و روایتی دارند به دلیل این که نمونه‌های عینی و واقعی نداشته‌اند، بیشتر در ذهن ساخته و پرداخته می‌شوند و برخی هم حتی در نظام‌های کلامی باقی می‌مانند.

هنرمند عکاس در مسیر انتقال اندیشه‌اش، با استفاده از عناصر ساختاری، به دنبال معنای عکاسانه نیز است البته باید این را هم پذیرفت که یک نگاه و زاویه فردی که البته فراخ‌تر از یک نگاه عادی است، نمی‌تواند تمامی واقعیت موجود را عریان کند بلکه در کنکاشی فکری ما را به سوی درک واقعیت‌ها رهنمون می‌سازد و از آن جا که این گونه آثار موضوع‌مدار هستند، با تکیه بر جنبه‌های درونی خود از معنای بیشتری هم برخوردارند. بیان معنا در عکاسی هیچ قاعده مشخص و نظام‌مندی ندارد بلکه این فرم‌ها، اشیا و نمادها هستند که در ترکیبی هماهنگ و همگرا با یکدیگر همچون واژه‌هایی که شعر را می‌سازند، به تصویر معنا می‌بخشند.

تجلّی هنر دینی در آثاری که نگاه عمیق‌تری به محتوا دارند، از بطن فرهنگ گرفته شده‌اند و هنرمندانی که برای بیان معنا به این موضوع می‌پردازند، ابزاری کاملا فیزیکی و مادی در دست دارند و تلاش می‌کنند با درکی از معنویت دینی، ذهنیت و نگاه خود را برای انتقال احساس و بیان معنا به خدمت گیرند.

پرداختن به عمق محتوای معنوی در آثار عکاسی، مخاطبان را که معمولا از دقت نظر بیشتری برخوردارند، از لایه‌های فرهنگ به درون خود می‌پذیرد و در ارتباطی نزدیک‌تر به درک مفاهیم و پیام آن یاری می‌رساند. هنرمند عکاس در این فرایند، با استفاده از این عناصر مادی، پیام‌های ذهنی را در قالب معنا تولید می‌کند و از این طریق به تبادل افکار و انتقال معنا میان افراد می‌پردازد.

نمادهای مذهبی تنها به خاطر ظاهرشان تقدس ندارند، بلکه به خاطر احساسی که انسان هنگام استفاده از آن‌ها پیدا می‌کند، تقدّس می‌یابند. این نمادها، همچون علایم کوچکی مانند یک انگشتر یا گردن‌بند که نمود مذهبی دارند تا آویزه‌ها، پرچم‌ها، علم‌ها و... در منازل و اماکن عمومی و مذهبی که برگرفته از ریشه‌های آیینی و دینی است، به خاطر ظاهر زیبا و تزیین شده‌شان مقدس نگشته‌اند بلکه واقعیت‌های معنوی از درون آن‌ها بر انسان تاثیر می‌گذارد و شرایطی را به وجود می‌آورد که ذهن مخاطب را برای درک معنویت و مفهوم آن فعال و حس متعالی‌تری را به وی القا می‌کند.

ناگهانِ شعر

نذر امام سجاد (ع)

نصراله مردانی

ای ناب‌ترین قصیده غم
سجّاد صحیفه محرم
تو کوکب چارمین خاکی
یا سیّد عابدین عالم
ای نای تو نینوای فریاد
جان سوخت به بانگ نایت از غم
گل روضه سرخ کربلایت
از خون شهید عشق خرّم
نام تو به سجده گاه تاریخ
روشن‌ز فروغ اسم اعظم
در باغ بهشتی دعایت
گل کرده ز بور جان آدم
با زمزم آسمانی تو
جاری شده چشمه‌های زمزم
سیراب ز کوثر کلامت
گل‌های بهشت آسمان هم
هر صفحه‌ای از صحیفه تو
برزخم عمیق شیعه مرهم

علیرضا حیدری

از خیمه تمام ماجرا را می‌دید
آوارگی آل عبا را می‌دید
هر چند که باورش نمی‌شد، آقا
در ظهر، غروب کربلا را می‌دید

سید حبیب حبیب پور

تو رفتی و سوگ و سوزها یارم شد
خون دل من یار شب تارم شد
می‌سوخت حرم در آتش و من، بیمار
اندوه و غم و درد پرستارم شد

منیره هاشمی

هرگز نگذاشت تا ابد شب باشد
او ماند که در کنار زینب باشد
سجّاد که سجّاده به او دل می‌بست
تدبیر خدا بود که در تب باشد

نیره سادات هاشمی

تمام غیرت دریاست در کلام تو سبز
تموّج نفس صبح در سلام تو سبز
سلام، سنگ صبور قیام عاشورا
غرور زینب کبری است در تمام تو سبز
پیمبری، که به اعجاز یک سَر بی‌تن
طلوع می‌کنی و می‌شود قیام تو سبز
همیشه جان تو می‌سوخت در غم خورشید
امام سجده در آتش، همیشه نام تو سبز!
چنین که در شب زنجیره رفته‌ای تا شام
طلوع صبح تشیّع به اهتمام تو سبز

خلیل ذکاوت

وقتی به ناله‌های تو نزدیک می‌شویم
از عمق روح شب‌زده تحریک می‌شویم
سرمست و سرخ سرخ به قلب سیاه شب
مثل شهاب حادثه شلّیک می‌شویم
در ما بخوان همیشه، که ما نیز مثل شام
بی‌نور خطبه‌های تو تاریک می‌شویم
جان را می‌افکنیم به شطّ صحیفه‌ات
وز خاک، خاک‌یخ‌زده تفکیک می‌شویم
دردا، به عمق راز تو هرگز نمی‌رسیم
مانند مو اگرچه که باریک می‌شویم
با این خروش موج و شب، ای ساحل نجات
آیا سپیده‌ای به تو نزدیک می‌شویم؟

مرتضی حیدری آل کثیر

شب بود و روحم در سکوتی نوحه گر شد
فرمانروای سینه‌های شعله‌ور شد
چشمم که می‌بایست، شب را در نوردد
در خیمه با طفلان گریان همسفر شد
گفتید: من بیمار بودم آه اما
هر عضو من بر چشم شیطان حمله‌ور شد
من را زنامحدود بودم گرچه ذکرم
در خطبه و شب‌نامه‌هاتان مختصر شد
من بال‌هایی دارم از پرواز مانده
خاموشی در سینه از اعجاز مانده
زنجیر می‌بستید دنیا را به دستم
نشنیده بردم نبض دریا را به دستم
غم! کور شد، دستش گرفتم راه بردم
غمگین‌ترش، تا قتلگاه ماه بردم
می‌رفتم اشکم را در اندوهی بکارم
حک شد درون جهل مردم یادگارم
شب را اگر فتم در صدای خود فشردم
هفتاد دم در جلجتای سجده مردم
فرصت ندادم آتش از دستش بروید
با سایه‌ها راحت دروغش را بگوید

گفت و گو

فرشچیان تابلوی «زاینده‌رود» را خلق می‌کند

محمود فرشچیان هنرمند نگارگر اصفهانی که در نقاشی پایبند سبک کلاسیک همراه با استفاده از تکنیک‌های جدید برای توسعه نقاشی ایرانی است، توانسته است در آثارش رابطه خوبی میان تاریخ، هنر و ادبیات برقرار کند و تلفیقی جذاب از عناصر سنتی و مدرن را همیشه می‌توان در آثار او مشاهده کرد.

این هنرمند که هم اکنون به واسطه آثار برجسته‌اش در میان جهانیان شناخته شده است چند سالی می‌شود که دیگر در زادگاه خود زندگی نمی‌کند اما به بهانه‌های مختلف به ایران و اصفهان سفر می‌کند. او که عاشق زاینده‌رود و آثار تاریخی اصفهان است، سال‌هاست از کوچک‌ترین فرصتی در سخنرانی‌هایش برای بیان دغدغه‌هایش درباره این شهر و هنر استفاده می‌کند.

امسال در سفر کوتاهی که فرشچیان به اصفهان داشت، به ایسنا گفت: من در این وقت محدود خدمت آقای زرگر، استاندار اصفهان رسیدم و صحبت مفصلی درباره لب‌های خشک شده رودخانه زاینده‌رود داشتم؛ استاندار متوجه مشکل این رودخانه است. بسیار زیاد غصه می‌خورم و از درون آتش می‌گیرم، نه تنها من بلکه همه اصفهانی‌ها وقتی رودخانه را با این لب‌های خشک می‌بینند بسیار ناراحت می‌شوند، از مسئولان خواهش می‌کنم این لب‌های خشک شده را هر چه سریع‌تر برای همیشه‌تر کنند. در فکر هستم این بار که به خانه بازگشتم حتما یک اثر با مضمون زاینده‌رود خلق کنم. وی همچنین گفت: آموزش هنر، گسترده نیست، شما وقتی برنامه هنرستان هنرهای زیبا را می‌بینید متوجه می‌شوید که به هنرهای اصیل ایرانی کم توجهی می‌شود و خودتان متاسف خواهید شد.

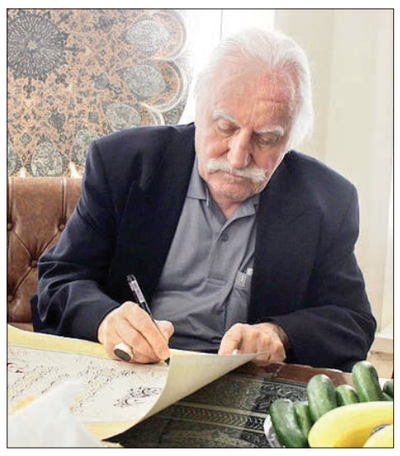

پیک خبر

اقتباس داستان دیگری از «استفن کینگ»

داستان بلند «N» از کارهای «استفن کینگ» به سریال تلویزیونی تبدیل می‌شود.

به گزارش ایسنا، «ددلاین» نوشت: فیلم ترسناک «It» (آن) که برگرفته از رمان «استفن کینگ» است، چندی است به روی پرده رفته و فروش فوق العاده‌ای را هم تجربه کرده است. در همین حال اعلام شده داستان بلندی از همین جنایی نویس آمریکایی به زودی مورد اقتباس تلویزیونی قرار خواهد گرفت. «کینگ» یکی از نویسندگان پرکار گونه وحشت و تعلیق است و تاکنون آثارش بارها و بارها به تلویزیون، سینما و تئاتر راه پیدا کرده است. این بار نوبت به داستان بلند «N» رسیده است که سال ۲۰۰۸ در مجموعه داستانی به نام «پس از غروب» منتشر شد.

این داستان با عنوان «۸» راهی تلویزیون خواهد شد و کارگردانی آن را «دیوید اف. سندبرگ» ـ سازنده «آنابل» ـ برعهده خواهد داشت. «اندرو بارر» و «گیب فراری» هم نویسندگان فیلم‌نامه این پروژه هستند.

این داستان بلند درباره مردی مبتلا به وسواس فکری ـ عملی است که اعتقاد دارد تنها بیماری او می‌تواند دنیا را از شر نیروهای شیطانی نجات دهد. این داستان به شیوه نامه نگاری روایت شده است، نامه‌هایی که در آن از مردی مرموز با نام «N» نام برده می‌شود. «کینگ» پیشتر اعلام کرده بود رمان «خدای بزرگ پن» نوشته «آرتور ماچن» در سال ۱۹۸۰ الهام‌بخش او برای خلق این اثر بوده است. این سریال در مراحل اولیه پیش‌تولید است و هنوز تاریخی برای نمایش آن اعلام نشده است. سریال اقتباسی «مه» دیگر اثر ترسناک این نویسنده

که فیلم سینمایی آن مشهور است، هم اکنون در دست ساخت است.

«استفن کینگ» خالق بیش از ۲۰۰ اثر ادبی در گونه‌های وحشت و خیال‌پردازی است. او نویسندگی را در سن هفت سالگی و بعد از پیدا کردن یک صندوقچه حاوی کتاب‌های جنایی آغاز کرد و با نام‌های مستعار «ریچارد باچمن» و «جان سوئیتن» تاکنون آثار متعددی نوشته است. رمان‌های کینگ با استقبال زیادی روبه‌رو شد و دیری نپایید که به سینما نیز راه یافت.

کارگردانان مطرح با اقتباس از رمان‌های او فیلم‌های بسیاری ساخته‌اند؛ فهرست برخی از این فیلم‌ها که با بازی درخشان بازیگران مشهور روی پرده رفته از این قرار است: «مسیر سبز»، «رهایی از شائوشنگ» و «مه» به کارگردانی «فرانک دارابونت»، «میزری» به کارگردانی «راب راینر» و «۱۴۰۸» به کارگردانی «مایکل هاف استروم».

سرقت نقاشی «رنوار» پیش از حراج

یک نقاشی از «رنوار» یک روز پیش از برگزاری حراجی که قرار بود در آن به فروش گذاشته شود، به سرقت رفت. به گزارش ایسنا، «بی بی سی» نوشت: تابلوی رنگ روغن کوچکی از «پیر ـ آگوست رنوار» ـ نقاش امپرسیونیست فرانسوی ـ که قرار بود در پاریس حراج شود، یک روز پیش از برگزاری حراجی ناپدید شد.

این نقاشی که در خانه حراج «سن ژرمن آن لی» پاریس به نمایش گذاشته شده بود، بین ۲۵ تا ۳۰ هزار یورو (برابر با ۲۹ هزار و ۵۰۰ تا ۳۵ هزار و ۵۰۰ دلار) ارزش داشت. این تابلو که تنها ۱۴ در ۱۲/۵ سانتی متر بود، «پرتره زن جوان بلوند» نام داشت و در گوشه سمت چپ بالای آن حروف اول اسم «آگوست رنوار» یعنی «ای آر» نوشته شده بود. «پیر ـ آگوست رنوار» (۲۵ فوریه ۱۸۴۱ ـ ۳ دسامبر ۱۹۱۹) نقاشی فرانسوی بود که در لیموژ فرانسه به دنیا آمد و از جوانی نقاشی را آغاز کرد. او بعدها به پاریس آمد و در آن جا یک گالری دایر کرد و به ترسیم صورت اشخاص مشغول شد. حیات هنری او نخست تحت تاثیر هنر چینی بود.

«رنوار» سپس به سبک نقاشانی همچون «سیسیلی» و «کلود مونه» که از بنیان گذاران مکتب امپرسیونیسم در نقاشی بودند، پیوست. این نقاشان در آثار خود

سوژه‌های طبیعی و فضای آزاد را با نور و رنگ طبیعی انتخاب می‌کردند. آثار «رنوار» به آثار تابستانی، معروف و از شفافیت، نور و سایه روشن‌های روزهای تابستان برخوردار است.

پیشتر هم آثاری از این هنرمند فرانسوی به سرقت رفته بود؛ چند سال پیش یکی از آثار سرقتی او که به قیمتی بالای یک میلیون دلار در «ساتبی» به فروش گذاشته شده بود، شناسایی شد. یکی دیگر از نقاشی‌های به سرقت رفته «رنوار» هم پس از ۶۰ سال به مالک اصلی‌اش برگردانده شد.